

کاوشی

در شناخت کهن‌ترین اثر در فن وجوه و نظائر قرآن

دکتر فتح الله نجارزادگان

دانشیار دانشکده الهیات دانشگاه تهران

(از ص ۱۴۳ تا ۱۵۵)

چکیده:

کتاب «بیان معانی الفاظ القرآن» تصنیف علی بن عبدالله بن عباس (ف: ۱۱۸ ه.ق.) - که در ضمن مجموعه‌ای مخطوط از رسائل قرآنی است - در اصطلاح قرآن‌پژوهان، در فن وجوه و نظائر قرآن کریم است. این کتاب، اثری مستقل و ارزشمند در این زمینه به شمار می‌آید و در آن، وجوه معنایی ۷۲ واژه از قرآن آمده است.

دانشمندان، کهن‌ترین اثر در این فن را کتاب «الاشباه والنظائر» مقاتل بن سلیمان بلخی (ف: ۱۵۰ ه.ق.) می‌دانند و در این نظر، همداستانند. اگر صحت انتساب رساله مذکور به علی بن عبدالله بن عباس، ثابت شود باید آن را کهن‌ترین نگاشته در این زمینه به حساب آورد که به نوبه خود، ارزشی ویژه خواهد داشت. هیچ کدام از پنج نثری که در مصادر تراجم و رجال به این نام و نام پدر و جد، نامبرده‌اند، صاحب تألیف، شمرده نشده‌اند، با این وصف می‌توان فراین متعدد درون متنی و برون متنی برای صحت انتساب این رساله به علی بن عبدالله بن عباس، إقامة کرد.

واژه‌های کلیدی: «بیان معانی الفاظ القرآن»، «وجوه و نظائر»، «غریب

القرآن»، «علی بن عبدالله بن عباس».

مقدمه:

در فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه آیه‌الله مرعشی (مرعشی، فهرست نسخه‌های خطی: ۳/۳۰۱-۳۰۰، رقم ۱۱۲۷) و نسخه کتابخانه ملک (ملک، فهرست نسخه‌های خطی: ۲ مج ۱۲/۵، ۲۹۷). رساله‌ای با نام «بیان معانی الفاظ القرآن»، تصنیف علی بن عبدالله بن عباس (فو: ۱۱۸ ه.ق.) ذکر شده است. محتوای رساله نامبرده - در اصطلاح علوم قرآن - دربارهٔ وجوه و نظائر قرآن است، چون در آن، ۷۲ واژه از قرآن را که در چند معنا (وجه) به کار رفته‌اند، گردآورده و وجوه معنایی آنها را بیان کرده است. این فن از دیرباز مورد توجه مفسران و قرآن پژوهان بوده است. زرکشی، النوع اربع و سیوطی، فصل سی و نهم از کتاب «الاتقان» را به این فن اختصاص داده‌اند و دربارهٔ تعبیر وجوه و نظائر می‌گویند: «وجوه، عبارت از لفظ مشترک است که در معانی مختلف به کار رود؛ مانند لفظ «أمة»... و نظائر، عبارت از الفاظ متواطئه است...» (زرکشی، ۱۰۲/۱ و نیز سیوطی ۱/۱۴۲).

دانشمندانی که آثاری متعدد در این باره نگاشته‌اند، کهن‌ترین اثر در این زمینه را کتاب «الاشباه والنظائر فی القرآن الکریم» از مقاتل بن سلیمان البلخی (فو: ۱۵۰ ه.ق) می‌دانند و در این نظر، همداستانند. (نک: زرکشی، ۱۰۲/۱ و نیز سیوطی، ۱/۱۴۲ و نیز، شحاته، ۵) اگر ثابت شود رساله مورد بحث از علی بن عبدالله بن عباس (فو: ۱۱۸ ه.ق) است باید آن را کهن‌ترین نگاشته در زمینهٔ وجوه و نظائر، قلمداد کرد و برای آن، اعتباری ویژه در این فن گشود.

از رسالهٔ علی بن عبدالله بن عباس، تنها، همان دو نسخه در کتابخانه آیه‌الله مرعشی و کتابخانهٔ ملک بر جای مانده است؛ هر دو نسخه در ضمن مجموعه‌ای از رسائل‌اند و رساله‌های هر دو مجموعه همسانند. قصد اصلی گردآورندهٔ ناشناس این مجموعه - که رسالهٔ علی بن عبدالله بن عباس در ضمن آن است - نگارش مصحف شریف بوده و چنین آورده است:

«فإني كتبتُ هذا المصحفَ المَجِيدَ وَالْفِرْقَانَ الْحَمِيدَ عَلَى قِرَاءَةِ عَاصِمِ بْنِ أَبِي النَّجُودِ الْكُوفِيِّ التَّابِعِيِّ بِرِوَايَةِ حَفْصِ بْنِ سُلَيْمَانَ الْكُوفِيِّ بِالسَّوَادِ وَكَتَبْتُ بَاقِيَ قِرَاءَةِ الْقُرْآنِ السَّبْعَةَ بِالْحُمْرَةِ...»

من این مصحف مجید و فرقان حمید را بنا اساس قرائت‌های عاصم بن ابی النجود کوفی به روایت حفص، با رنگ مشکی و سایر قرائت قرآن هفتگانه را، با رنگ قرمز نگاشته‌ام». (همان، ورق ۲)

مؤلف این مجموعه که در علم قراءات و تجوید قرآن، دستی دارد، در مقدمه این مصحف از علوم و فنون قراءات، رسم الخطها، قواعد تجویدی، تعداد سوره‌ها، آیات، کلمات و حروف قرآن و... یاد می‌کند و قصیده لامیه از محمد بن محمود سمرقندی^۲، مشتمل بر فوائد تجویدی و مطالب متفرقه دیگری مانند دعای ختم قرآن، از همان محمد بن محمود سمرقندی را بر آن می‌افزاید؛ آن‌گاه بحث خود را با عنوان «ذکر الوقوف الالزام علی قاعدة السجاوندی» ادامه می‌دهد و پس از ذکر «الدعا عند افتتاح القرآن» می‌نویسد: «بسم الله الرحمن الرحيم... اما بعد: هذا الكتاب فی بیان معانی الفاظ القرآن من تصنیف علی بن عبد الله بن عباس فالأول باب الوحی...» (همان، ورق ۲۴) آن‌گاه، متن کتاب معانی الفاظ القرآن را در ۵۰ ورق می‌آورد. مؤلف این مجموعه، هیچ توضیحی درباره این کتاب و مصنف آن - علی بن عبدالله بن عباس - نمی‌دهد بر خلاف توضیحی که درباره محمد بن محمود سمرقندی آورده و سند وی را تا ابو عمرو الدانی (فوت: ۴۴۴هـ) مصنف کتاب معروف «التیسیر» بیان می‌کند - آن‌چه هم اکنون از این مجموعه باقی مانده، همین مقدمات است که مشتمل بر چند رساله و مطالب متفرقه دیگری است و متن قرآن مکتوب از آن جدا شده و یا مؤلف، توفیق نگارش آن را نداشته است.

آغاز و انجام رساله علی بن عبدالله بن عباس در این مجموعه در هر دو نسخه، یکسان و تفاوت در محتوای آنها ناچیز است. در صفحه نخست نسخه کتابخانه

آیه الله مرعشی (همانجا) پس از خطبه‌ای کوتاه، چنین نوشته شده است: «اما بعد: هذا الكتاب في بيان معاني الفاظ القرآن من تصنيف علي بن عبدالله بن عباس»؛ در نسخه کتابخانه ملک (همانجا) نیز همین عبارت است، تنها، تعبیر «رضی الله عنهم» بر آن افزوده شده است. در پایان نسخه کتابخانه آیه الله مرعشی، تاریخ استنساخ نسخه، ربیع الاول سال ۱۰۹۴ هـ ق ثبت شده است (همان، ورق ۵۰).

در کتابهای تراجم و رجال، از مجموع فیش‌های هفتاد عنوان کتاب که به شرح حال افراد پرداخته‌اند^۲، پنج نفر به این نام و پدر و جد نامبرده‌اند؛

۱- علی بن عبدالله بن العباس بن عبدالمطلب ابو محمد الهاشمی (۱۱۸ هـ ق. - ۴۰۰)؛ وی را به علم و ورع و تقوا ستوده و به «سجّاد» ملقب کرده‌اند، با آن که وی شخصیت شناخته شده‌ای دارد و در کتاب‌های متعدّد، شرح حال وی آمده است (نک: ابو نعیم ۲۰۷/۳، رقم ۲۰۷ و نیز ابن خلکان ۱/ ۴۰۸-۴۰۶ و نیز ذهبی ۵/ ۲۵۲ و نیز ابن حجر ۳۰۱/۷، رقم ۴۹۳۵)، در هیچ کدام از آنها صاحب تألیف و تصنیف شمرده نشده است. با این وصف، استاد محمد باقر حجّتی، مصنف رساله «معانی بیان الفاظ القرآن» را کسی جز همین شخصیت؟ یعنی، علی بن عبدالله بن العباس بن عبدالمطلب (فوز: ۱۱۸ هـ ق) نمی‌داند (حجّتی ۲۰۱/۴، شماره ۱۵۲۷). «فؤاد سزگین» نیز تعبیر «نسب الیه معانی الفاظ القرآن فی مخطوطة، قم، مرعشی...» را درباره وی به کار برده (سزگین، ۳۶/۸) و سپس به چند منبع روایی که در آنها علی بن عبدالله بن عباس در اسانید روایات آمده، اشاره کرده است. دلیل استاد حجّتی و فؤاد سزگین، چیزی جز عبارت «هذا الكتاب في بيان معاني الفاظ القرآن من تصنيف علي بن عبدالله بن عباس» که گفتیم در صفحه نخست رساله در دو نسخه مذکوره است، نمی‌باشد و دلیل و شاهدهی دیگر بر این مدّعا اقامه نکرده‌اند.

۲- علی بن عبدالله بن عباس بن عبدالله بن الحسن بن عبیدالله بن

العبّاس؛

وی از نوادگان حضرت عباس بن علی بن ابی طالب، شهید کربلا و ملقب به «مُریح» است (عُبَیدلی، ۲۸۹ و نیز ابن فندق، ۳۱۰) شرح حال قابل توجهی از زندگی وی در دسترس نیست و چنین کتابی نیز برای او نام نبرده‌اند.

۳- علی بن عبدالله بن العباس الجوهری (م ۳۶۵ ه.ق.)؛

وی نیز چنین کتابی نداشته و صاحب تألیف نمی‌باشد (خطیب بغدادی، ۶/۱۲، رقم ۶۳۶۱ و نیز ذهبی، تاریخ الاسلام: وفیات ۳۸۰، ۳۵۱ و ۳۴۲ و نیز ابن حجر، لسان المیزان، ۴۷/۵، رقم ۵۸۹۶).

۴- علی بن عبدالله بن العباس بن حمید بن العباس ابوطالب الحمصی معروف به ابن ابی السَّجِّیس (فوت: حدود ۳۶۰ ه.ق.)؛

تنها ابن عساکر، ترجمه‌ای کوتاه از او به دست داده است، بدون آن که برای وی تألیفی ذکر کند (نک: ابن عساکر ۵۵/۴۳، رقم ۴۹۵۵).

۵- علی بن عبدالله بن العباس الافطس (حدود ۷۰۰ ه.ق.)؛

نامبرده نیز شرح حال اندکی دارد و چنین کتابی به او نسبت داده نشده است (نک:

ابن قُوطی، ۵۱۳/۳، رقم ۳۰۹۴).

شخصیت دیگری نیز به نام «علی بن عبدالله بن عبیدالله بن العباس الشَّهید» از نوادگان حضرت عباس بن علی بن ابی طالب، شهید کربلاست که تنها در کتب أنساب، نامی از او به میان آمده است (عُبَیدلی، ۲۷۹ و نیز ابن فندق، ۳۵۸ و نیز رازی، ۱۸۹ و نیز علوی، ۲۳۱).

حاصل، آن که شرح‌نگاران، هیچ‌کدام از افراد یاد شده را صاحب تألیف نمی‌دانند و کتابی به این نام برای آنان، نام نبرده‌اند.

در کتاب‌های فهرست‌مخطوطات که در زمینه علوم قرآن، تفسیر و غریب القرآن فراهم آمده است، غیر از فهرست کتابخانه ملک و آیه الله مرعشی اثری از نام این رساله نیست (مانند کتاب معجم مصنفات القرآن الکریم از شوّاخ اسحاق؛ معجم الدّراسات القرآنیة عند الشَّیعة الامامیة، اثر عامر الحلوی؛ فهرست کتب علوم القرآن

گردآمده توسط عمادة شؤون المكتبات الجامعة الإسلامية بالمدينة المنورة؛ فهرست مخطوطات دارالکتب الظاهرية - قسم علوم القرآن - از خیمی؛ المعجم الجامع الغریب مفردات القرآن الکریم - اثر سیروان؛ مختصر البیان فی غریب القرآن (از بدوی). باز در مقدمه کتاب‌هایی که در زمینه معانی القرآن و وجوه و نظائر، نگاشته شده و یا در مقدمه محققان؛ مانند دکتر شحاته بر کتاب «الأشباه والنظائر» مقاتل بن سلیمان؛ دکتر حاتم صالح الضامن بر کتاب «الوجوه والنظائر فی القرآن الکریم» اثر هارون بن موسی القاری؛ دکتر نجف عرش بر کتاب «وجوه القرآن» حیرری که نسخه‌های مخطوط مذکور در این فن را احیا کرده‌اند، نامی از این رساله نیست.

در متن کتاب‌های وجوه و نظائر از کهن‌ترین آنها تا تألیف‌های عصر حاضر نیز اثری از نام رساله مذکور و مؤلف آن و یا استناد به محتوای آن به چشم نمی‌خورد. افزون بر آن، هیچ کدام از کتاب‌های وجوه و نظائر با سبک و محتوای این رساله - به نحو موجه کلیه - همسان نیست. ویژگی‌های رساله مذکور عبارتند از:

الف) در این رساله، وجوه ۷۲ واژه از قرآن، مورد بحث قرار گرفته که نخستین آن، واژه «الوحي» و آخرین آن، واژه «الاحصان» است.

ب) واژه‌ها به ترتیب حروف الفبا نیست، معانی (وجوه) کلمات، بسیار موجز و اساساً بیش از یک آیه از قرآن (جز در موارد اندک) برای تعیین مصداق ذکر نشده است. نزدیک‌ترین نگاشته به رساله مذکور از لحاظ سبک نگارش، ایجاز در کلام و تشابه در وجوهی که درباره کلمات آورده، کتاب «وجوه القرآن» حیرری نیشابوری (ف: ۴۳۱ ه.ق.) است، تنها تفاوت آن در ترتیب حروف الفبا در کتاب حیرری و نیز برخورداری این رساله از واژگان بیش‌تر است که به مواردی از آنها اشاره خواهد شد.

ج) هر واژه در این رساله، تحت عنوان «باب» آمده؛ مانند «باب الوحي»، «باب الحسنی» و... سپس به عدد وجهی که برای این کلمه در قرآن به کار رفته، تصریح کرده است؛ مانند «باب الوحي» علی سته اوجه، «باب کتب» علی اربعة اوجه و...

لیکن در ابتدا به فهرست وجوهی که درباره هر واژه به کار رفته، اشاره نکرده است؛ به طور نمونه نگفته: «باب کتب» علی اربعة اوجه: وهی فرض، قضی، جعل و امر، و این بر خلاف شیوة «قاموس القرآن او اصلاح الوجوه والنظائر» اثر حسین بن محمد الدامغانی (فو: ۴۷۸ ه.ق.) است که در آن فهرست معانی هر واژه آمده است.

د) در این رساله برای دست‌یابی به معنای کلمات، به روایات، کتاب‌های لغت یا اشعار عربی استناد نشده و نقل قولی نیامده است بر خلاف شیوة «الأشباه والنظائر»، اثر ثعالبی (فو: ۴۲۹ ه.ق.) که در مواردی به قول «ابن السکیت» و دیگران استناد جسته است (برای نمونه، نک: ثعالبی، ۱۹۲).

ه) در این رساله، وجوهی از معنا به چشم می‌خورد که در هیچ کدام از کتاب‌های وجوه و نظائر (و یا حتی در آثار روایی و تفسیری) نیست؛ به طور مثال، مؤلف در «باب الأرض» درباره معنای (وجه) ارض می‌نویسد:

«علی ثمانية اوجه... و بمعنی بطون النساء قوله [تعالی]: وأورثکم ارضهم وديارهم وأموالهم وأرضاً لم يطؤها... أي النساء.

واژه ارض در قرآن به ۸ معنا به کار رفته...، از جمله به معنای بطون النساء است. در این آیه که می‌فرماید: «شما را وارث زمین آنان و شهر و دارایی‌های آنان و زمینی که در آن، گام ننهاده‌اند کردیم...» مراد از این زمین، زنان باکره‌اند» (ورق ۴۴).

این معنا از کلمه زمین در این آیه در هیچ منبع وجوه و نظائر یا روایی و تفسیری بالمأثور وجود ندارد. باز برای نمونه، درباره معنای واژه «حین» می‌نویسد:

«علی اربعة اوجه: بمعنی اربعین سنة قوله [تعالی]: هل أتى علی الإنسان حیناً من الدهر أي أربعون سنة؛ یعنی، آدم حین خلقه من طین قبل أن يجعل فيه الروح؛

حین بر ۴ وجه است، [یک] به معنای ۴۰ سال؛ در این قول خداوند که

می فرماید: «آیا [خبر] زمانی از دهر برای انسان آمد...» [حین در اینجا] به معنای ۴۰ سال و آن، مدت زمانی است که آدم را از گل آفرید؛ پیش از آن که در آن، روح قرار دهد» (ورق ۲۴).

این معنا از کلمه «حین» در تفاسیر روایی به چشم نمی خورد، تنها ابن جریر طبری می گوید: «برخی گفته اند مراد از «حین»، ۴۰ سال می باشد» (ابن جریر، ۲۰۲/۱۴). و با مقایسه تعداد وجوهی که در این کتاب برای کلمات، بیان شده با تمام کتاب های دیگر در این زمینه، رابطه آنها را به شکل عموم و خصوص من وجه خواهیم دید. به طور مثال، کلمه وحی در کتاب «الوجوه والنظائر» هارون بن موسی (فو: حدود ۱۷۰ ه.ق.) به ۵ وجه معنا شده که یکی از وجه های آن نیز به معنای «قول» است (ص ۳۰). ولی در کتاب مورد بحث، وحی به ۶ معنا آمده و به معنای قول نیز نمی باشد. یا کلمه «الهدی» در کتاب «الأشبه والنظائر مقاتل بن سلیمان (فو: ۱۵۰ ه.ق.) - که گفتیم آن راکهن ترین اثر در این زمینه می داند - بر ۱۷ وجه آمده (ص ۸۹) و در کتاب مورد نظر، ۱۳ وجهی است. باز یکی از معانی کلمه «من» در این کتاب در آیات: یغفر لکم من ذنوبکم و شرع لکم من الدین و رب قد آتیتنی من الملك، زائده، شمرده شده (ص ۲۱) ولی در کتاب مقاتل بن سلیمان کلمه «من» در این آیات به معنای صله در کلام به کار رفته است (ص ۴۵).

باز اگر متن کتاب را با کتاب «منتخب قرة العیون النواظر فی الوجوه والنظائر» اثر عبد الرحمن بن جوزی (فو: ۵۹۷ ه.ق.) مقایسه کنیم، رابطه آن دو را عموم و خصوص من وجه می یابیم؛ برای نمونه، در این کتاب، وجوه معنای کلمه «شقاق» هست (ص ۲۸) ولی در اثر ابن جوزی نیست یا وجوه معنای «شهید» در کتاب ابن جوزی بیان شده (ص ۹۵) ولی در اثر موجود، نمی باشد و همین طور، مقایسه متن این کتاب با اثر دیگر ابن جوزی در این زمینه به نام «نزهة الاعین النواظر فی علم الوجوه والنظائر» که گسترده تر از کتاب پیشین اوست و با مقایسه متن رساله مذکور با متن

کتاب دامغانی و حیرئ نیشابوری نیز به همین نتیجه خواهیم رسید. به طور مثال، دامغانی (فو: ۴۷۸ ه.ق.) کلمه «سوء» را به ۱۱ وجه معنا کرده (ج ۱، ص ۴۰۶) ولی در کتاب مورد بحث، ۱۵ وجه برای آن ذکر شده است (ص ۴۶ و ۴۷). در کتاب اسماعیل بن احمد حیرئ نیشابوری (فو: ۴۳۱ ه.ق) وجوه کلمه «وحی» بیان نشده ولی این کلمه در کتاب مذکور، نخستین واژه مورد بررسی است. وجوه کلمه «ولایت» در کتاب حیرئ آمده (ص ۵۸۴) ولی در رساله، مورد بحث قرار نگرفته است. سبک و سیاق و محتوای این رساله نیز با کتاب «کشف السرائر فی معنی الوجوه والأشبه والنظائر» اثر ابن عماد (فو: ۸۸۷ ه.ق) همسان نیست و با یکدیگر تفاوت‌های اساسی دارند.

بنابراین، آن چه که در این جا با قاطعیت می‌توان گفت این است که رساله مورد بحث، تلخیص از یک کتاب یا جمع‌آوری یا گزینش از مجموع کتاب‌های دیگر در این زمینه نیست و اثری مستقل و ارزشمند در این فن به شمار می‌آید. پاره‌ای از شواهد نیز، صحت انتساب این رساله را به علی بن عبدالله بن عباس (فو: ۱۱۸ ه.ق) تایید می‌کند؛ یک: در عصر وی که عصر تابعین است بررسی وجوه و معانی کلمات قرآن به شکل مذکور در این رساله، امکان‌پذیر بلکه رایج بوده است. چون این بحث در شکل بررسی معانی غریب القرآن - که پیوند بسیار نزدیک با وجوه معنایی الفاظ قرآن دارد - پیش از وی در بین صحابه، به ویژه در نزد پدر علی (عبدالله بن عباس) مورد توجه است. از جمله مسائل نافع بن الازرق از ابن عباس که در آن، نافع درباره معانی واژه‌هایی از آیات الهی از ابن عباس می‌پرسد (نک: سیوطی ۱/ ۱۲۳-۱۲۰) و نیز «غریب القرآن» عبدالله بن عباس به تهذیب و روایت عطاء بن ابی رباح (فو: ۱۱۴ ه.ق) و روایت علی بن ابی طلحة (فو: ۱۴۲) که هم اکنون در اختیار است و سیوطی، مجموعه آن را از طریق علی بن ابی طلحة در کتاب «الاتقان» آورده است و سیوطی ۱/ ۱۱۹-۱۱۴). در عصر تابعین نیز کتاب‌های «تفسیر غریب القرآن» زید بن علی

(شهید به سال ۱۲۲ هـ.ق)، «الأشباه والنظائر» اثر مقاتل بن سلیمان (ف: ۱۵۰ هـ.ق) و «الوجوه والنظائر فی القرآن» از موسی بن هارون (ف: حدود ۱۷۰ هـ.ق) به بررسی معانی کلماتی از آیات قرآن پرداخته‌اند. بنابراین، زمینه بررسی معانی الفاظ قرآن در آن عصر، وجود داشته و تردید در آن راه ندارد؛ دو این نام به مصداق مشهور آن که همان علی بن عبدالله بن عباس تابعی است، انصراف دارد؛ دیگران از این شهرت، برخوردار نیستند؛ سه: ایجاز در کلام و بساطت معانی در رساله مذکور که با سبک نگارش‌های عصر تابعین، همسان می‌باشد. این‌ها، شواهدی بر صحت انتساب این رساله به علی بن عبدالله بن عباس تابعی است.^۴

نتیجه:

کتاب مخطوط «بیان معانی الفاظ القرآن الکریم» اثری مستقل و ارجمند در وجوه و نظایر قرآن کریم است. در این کتاب وجوه معنایی ۷۲ واژه قرآنی آمده و تنها دو نسخه از آن بر جای مانده است. در هر دو نسخه، مؤلف این کتاب، علی بن عبدالله بن عباس نامیده شده است با آن که قرآن پژوهان و دانشمندان وجوه و نظائر قرآن، نامی از این کتاب به میان نیاورده‌اند و در کتاب‌های تراجم و رجال نیز هیچ یک از افرادی که به نام علی بن عبدالله بن عباس معروفند، صاحب تألیف نمی‌باشند، اما شواهد و قراین متعدد می‌توان برای صحت انتساب این کتاب به علی بن عبدالله بن عباس (ف: ۱۱۸ هـ.ق) اقامه کرد.

بنابراین، برخلاف تصور رایج قرآن پژوهان که کتاب «الاشباه والنظائر» از مقاتل بن سلیمان (ف: ۱۵۰ هـ.ق) راکهن‌ترین نگاشته در این زمینه به حساب می‌آورند، هم اکنون باید کتاب مذکور راکهن‌ترین اثر در این باره دانست.

پی‌نوشت‌ها:

- ۱- این آثار به دو دسته مستقل و ضمنی، تقسیم می‌شوند، به زودی به پاره‌ای از آثار مستقل اشاره خواهیم داشت. آثار ضمنی نیز فصلی از کتاب‌هاست که به این فن اختصاص داده شده؛ مانند، «باب اللفظ الواحد للمعانی المختلفة» از کتاب «تأویل مشکل القرآن» ابن قتیبة (۲۷۶ه.ق.) که در آن یازده کلمه را مورد بررسی قرار داده است و فصل «ابواب منتخبه من الوجوه والنظائر» از کتاب «نزهة الاعین النواظر» ابن جوزی (۵۹۷ه.ق.).
- ۲- وی محمد بن محمود بن محمد بن احمد شمس‌الدین سمرقندی (۷۸۰ه.ق) است که در همدان از مادر بزاد و در بغداد، رحل اقامت افکند. سمرقندی تالیف‌های گوناگون در علم قرائت و تجوید دارد، مانند «التجريد في التجويد»؛ «القراءات السبع»؛ «كشف الأسرار في رسم مصاحف الأمصار» و «العقد الفريد في نظم التجريد» (نک: ابن الجزری، ۲ / ۲۶۰ و نیز کحالة، ۱۲ / ۴ و نیز حاجی خلیفه، ۲ / ۱۰۶).
- ۳- این فیش‌ها که بالغ بر حدود هشتاد هزار عنوان است، توسط شیخ کاظم محمودی در «مجمع احیاء الثقافة الاسلامیة» در طی ۲۴ سال فراهم آمده است.
- ۴- (لازم به ذکر است، این رساله در مجموعه «تراث الشیعة القرآنی»؛ ج ۱ (که هم اکنون آماده چاپ می‌باشد) توسط راقم این سطور، احیا شده است.

منابع:

- ۱- ابن الجزری، محمد، غایة النهایة فی طبقات القراء، بعناية برجستراسر، قاهره، ۱۳۵۱ ه.ق.
- ۲- ابن جریر، محمد، جامع البیان فی تأویل آی القرآن، بیروت، ۱۴۰۸ ه.ق.
- ۳- ابن الجزری، عبد الرحمن، منتخب قرة العیون النواظر فی علم الوجوه والنظائر، تحقیق صفطاوی، بیروت، بی تا.
- ۴- _____، نزهة الاعین النواظر فی علم الوجوه والنظائر، تحقیق محمد عبدالکریم کاظم الراضی، بیروت، بی تا.
- ۵- ابن حجر عسقلانی، احمد، لسان المیزان، تحقیق باشراف محمد عبد الرحمن المرعشلی،

- بیروت، ۱۴۱۵ هـ.ق.
- ۶- _____، تهذیب التهذیب، تحقیق عبد القادر عطا، بیروت، ۱۴۱۵ هـ.ق.
- ۷- ابن خلّکان، احمد، وفيات الأعیان و أبناء الزمان، تحقیق احسان عباس، الطبعة الثالثة، منشورات الرضى، ۱۳۶۴ هـ.ش.
- ۸- ابن سلیمان بلخی، مقاتل، الأشباه والنظائر في القرآن الكريم، تحقیق عبدالله محمود شحاته، قاهره، ۱۴۱۷ هـ.ق.
- ۹- ابن عماد، حسن، كشف السرائر في معنى الوجوه والأشباه والنظائر، بیروت، ۱۴۰۲ هـ.ق.
- ۱۰- ابن فُندق، علی، لباب الانساب والالقباب والأعقاب، تحقیق مهدی الرجائی، قم، ۱۴۱۰ هـ.ق.
- ۱۱- ابن فُوطی، عبدالرزاق، معجم الآداب في معجم الألقاب، تحقیق محمد الكاظم، تهران، ۱۴۱۶ هـ.ق.
- ۱۲- ابن قتیبة، عبدالله، تأویل مشکل القرآن، الطبعة الثالثة، بیروت، ۱۴۰۱ هـ.ق.
- ۱۳- ابن عساکر، علی، تاریخ مدينة دمشق، تحقیق علی شیری، بیروت، ۱۴۱۵ هـ.ق.
- ۱۴- ابو نعیم اصفهانی، احمد، حلیة الأولیاء وطبقات الأصفیاء، الطبعة الخامسة، بیروت، ۱۴۰۷ هـ.ق.
- ۱۵- بدوی، عادل عبدالرحمن، مختصر البیان في غریب القرآن، طهران، ۱۴۲۱ هـ.ق.
- ۱۶- تفلیسی، حبیبش، وجوه القرآن، باهتمام دکتر مهدی محقق، دانشگاه تهران، ۱۳۷۸ هـ.ش.
- ۱۷- حاجی خلیفه، مصطفی، كشف الظنون، بیروت، ۱۴۰۲ هـ.ق.
- ۱۸- حجتی، سید محمدباقر، فهرست موضوعی نسخه‌های خطی عربی کتابخانه‌های جمهوری اسلامی ایران، تهران، ۱۳۷۰ هـ.ش.
- ۱۹- حیرتی، اسماعیل بن احمد، وجوه القرآن، تحقیق نجف عرشی، مشهد، بی تا.
- ۲۰- خطیب بغدادی، احمد، تاریخ بغداد أو مدينة السلام، المكتبة السلفية، المدينة المنورة، بی تا.
- ۲۱- خیمی، صلاح محمد، فهرست مخطوطات دار الكتب الظاهرية (قسم علوم القرآن)، دمشق، ۱۴۰۳ هـ.ق.
- ۲۲- دامغانی، حسین بن محمد، الوجوه والنظائر لالفاظ كتاب الله العزيز، تحقیق محمد حسن ابوالعزم، قاهره، بی تا.
- ۲۳- ذهبی، محمد، سیر اعلام النبلاء، تحقیق بإشراف شعيب الأرنؤوط، الطبعة الرابعة، بیروت، ۱۴۰۶ هـ.ق.

- ۲۴- _____ تاریخ الإسلام، تحقیق عبد السلام تدمری، بیروت، ۱۴۰۹ هـ.ق.
- ۲۵- رازی، فخرالدین، الشجرة المباركة في أنساب الطالبيه، تحقیق مهدی رجائی، قم، ۱۴۰۹ هـ.ق.
- ۲۶- زرکشی، محمد، البرهان في علوم القرآن، تحقیق محمد ابوالفضل ابراهیم، بیروت، ۱۳۹۱ هـ.ق.
- ۲۷- زید بن علی، تفسیر غریب القرآن، تحقیق محمدجواد الحسینی، قم، مکتب الاعلام الإسلامی، ۱۳۷۲ هـ.ش.
- ۲۸- سزگین، فؤاد، تاریخ التراث العربی، مراجعه عرفه مصطفی، قم، ۱۴۱۲ هـ.ق.
- ۲۹- سلیقی، عبدالله محمد، عبدالله بن عباس و مدرسته في التفسیر، داراحیاء التراث، بیروت، ۱۴۰۷ هـ.ق.
- ۳۰- سیروان، عبد العزیز، المعجم الجامع لغریب مفردات القرآن الکریم، بیروت، ۱۹۸۹ م.
- ۳۱- سیوطی، جلال الدین، الاتقان في علوم القرآن، مطبعة دار الندوة، بی تا.
- ۳۲- شحاته، عبدالله محمود، مقدمه الأشباه والنظائر في القرآن الکریم، مقاتل بن سلیمان، قاهره، ۱۴۱۷ هـ.ق.
- ۳۳- شوّاخ اسحاق، علی، معجم مصنفات القرآن الکریم، الرياض، ۱۴۰۴ هـ.ق.
- ۳۴- عامر الحلوه، معجم الدراسات القرآنیة عند الشیعة الإمامیة، بیروت، ۱۴۱۱ هـ.ق.
- ۳۵- عبیدلی، مجد، تهذیب الأنساب و نهاية الأعقاب، تحقیق محمد کاظم، قم، ۱۴۱۳ هـ.ق.
- ۳۶- عطا سالم، فهرس التفسیر و علوم القرآن، مکه المکرمة، بی تا.
- ۳۷- علوی، علی، المجدی في أنساب الطالبيين، تحقیق مهدوی دامغانی، قم، ۱۴۰۹ هـ.ق.
- ۳۸- عمادة شؤون المكتبات، فهرست كتب علوم القرآن، الجامعة الإسلامیة بالمدينة المنورة، ۱۴۱۶ هـ.ق.
- ۳۹- قاری، هارون بن موسی، الوجوه والنظائر في القرآن الکریم، تحقیق حاتم صالح الضامن، بغداد، ۱۴۱۱ هـ.ق.
- ۴۰- کحالة، عمر رضا، معجم المؤلفین، بیروت، دار إحياء التراث العربی، بی تا.
- ۴۱- مذبني، محمد بن ابی بکر، المجموع المغیث فی غریبی القرآن والحديث، تحقیق الغریاوی، جامعة ام القرى، ۱۴۰۶ هـ.ق.
- ۴۲- مرعشی نجفی، فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه عمومی آیه الله العظمی مرعشی، زیر نظر سید محمود مرعشی، قم، بی تا.



شرویش گاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی